

دین در قاب تلویزیون

سخنرانان

دکتر اسماعیل بنی‌اودلان، دکتر مجید حسینی‌زاد،

دکتر علاءالدین رحیمی و ...

پژوهشکده هنر و رسانه



پژوهشکده هنر و رسانه
فصلنامه علمی

عنوان و نام پدیدآور	دین در قلاب تلویزیون / گفتارهایی از اسماعیل بنی اردلان ... (و دیگران).
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۸۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۲۴-۶؛ ریال: ۱۲۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	تلویزیون و دین - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه اثر ده	بنی اردلان، اسماعیل، ۱۳۳۶ -
شناسه اثر ده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره	BP۱۱/۶۲۳/۵۹۱۳۹۰
رده بندی دیویی	۳۹۷/۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۴۱۸۳۹



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دین در قلاب تلویزیون

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

گفتارهایی از: دکتر اسماعیل بنی اردلان، دکتر مجید حسینی زاده، دکتر علاءالدین رحیمی، دکتر امیدعلی

مسعودی، حجت الاسلام محمدتقی ملبویی، دکتر ستار مودی و دکتر محمدحسین رجیبی

ویراستار علمی: عبدالله بیجرانلو

ویراستاران ادبی: سمیرا فتحعلی آشتیانی و معصومه اکبری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۲۴-۶

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

چاپخانه: عترت چاپ

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پاین تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سندوق پستی ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ دورنگار ۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

سخن ناشر	۷
پیش‌گفتار (عبدالله بیچرانلو)	۹
تلویزیون و برنامه‌سازی داستانی در حوزه مذهب و تاریخ دین (دکتر علاءالدین رحیمی، دکتر اسماعیل بنی‌اردلان، دکتر مجید حسینی‌زاد)	۲۳
بررسی ابعاد تاریخی و دینی سریال مختارنامه	۳۷
شخصیت تاریخی مختار (دکتر ستار عودی)	۳۹
تحلیل تاریخی سریال مختارنامه (دکتر محمدحسین رجبی)	۴۷
بررسی سریال‌های تلویزیونی ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۸۹ (حجت‌الاسلام محمدتقی ملبویی و دکتر امیدعلی مسعودی)	۵۹

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به منظور دستیابی به اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های گوناگون در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌کند تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه را فراهم سازد.

گزارش پیش رو، نتیجه مجموعه نشست‌هایی که در سال ۱۳۸۹ از سوی گروه سینما و تلویزیون پژوهشکده هنر و رسانه یا موضوع دین و رسانه در پژوهشگاه برگزار شده است. این مجموعه با عنوان «دین در قلماب تلویزیون» در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

یادآوری می‌شود، مطالب گفته‌شده از سوی سخنرانان، لزوماً بازتاب و بیانگر دیدگاه‌های مسئولان پژوهشگاه نیست.

پیش‌گفتار (نسبت دین و رسانه)

نسبت دین و رسانه چیست؟ این پرسشی است که محققان علوم اجتماعی، بسیار به آن اندیشه و پاسخ‌های گوناگونی به آن داده‌اند. هر یک از این پاسخ‌ها بسته به خاستگاه محققان، با پاسخ‌های دیگر متفاوت بوده است؛ پاسخی که در جهان غرب به این موضوع داده شده به دلیل ماهیت سکولار آن با پاسخی که در کشور ما به آن داده شده است به دلیل رویکرد خاص خود به دین، بسیار تفاوت دارد. اما ساده‌اتکارانه خواهد بود اگر تصور کنیم، سکولاریسم در غرب، منجر به زدودن مطلق دین از رسانه‌های غرب شده است، بلکه دین در همان صورت موردنظر در جهان سکولاریستی، در رسانه‌ها، حضوری پررنگ دارد اما در نگاه سکولار، تعریف از دین تقلیل یافته و در یکی از اشکال ذیل، بروز کرده است:

– «جدایی دین و جامعه: دین، سلطه خود را بر جنبه‌های زندگی اجتماعی و

عمومی از دست داده و به زندگی شخصی و خصوصی منحصر می‌شود.

- جایگزینی صورت‌های دینی به جای باورها و نهادهای دینی: دانش، رفتار و نهادهای مبتنی بر قدرت الهی، جای خود را به نوع انسانی شده دین می‌دهند. - جدایی از ارزش‌ها و کارکردهای سنتی و دینی در روی آوری به عملکردهای عقل سودمحور در جامعه». (باهر، ۱۳۸۸: ۲۱)

«استراتژاتر» در کتاب «دین در عصر رسانه» تشدید شدن رابطه دین و رسانه را در آغاز قرن بیست و یکم، این گونه تشریح کرده است: «در امتداد قرن بیست و یکم، دین و رسانه، روز به روز بیشتر با یکدیگر مرتبط می‌شوند. بخش اعظم مذهب و معنویت دوران معاصر، از طریق رسانه درک می‌شود و رویدادها و نمادهایی مهم، با فناوری و روزافزون ظاهر می‌شوند. تنها در سال‌های اخیر شاهد پوشش وسیع رسانه‌ای رسوایی‌های کلیساهای کاتولیک آمریکا و اروپا، درگیری‌های عمومی گروه‌های مذهبی درباره مسائل مربوط به هم جنس بازان، غلبه گفتمان‌های رسانه‌ای دین بر مبارزات سیاسی آمریکا و ظهور مجدد دین در حیات سیاسی و اجتماعی اروپا بوده‌ایم. همچنین فیلم «مصابیح مسیح» اثر «مل گیبسون» و فیلم «چه ناگفته‌ای می‌دانیم» اثر «ویلیام آرتز»، نمایش روزافزون معنویت و دین به صورت گوتیک، وحشتناک، علمی - تخیلی، جادویی، اسرارآمیز و غیرمعتارف در تلویزیون و سینمای عامه‌پسند و مشاجرات درباره نفس حضور دین - به انحای گوناگون - در رسانه نیز از همین نمونه است. (هوور، ۱۳۸۸: ۳)

در کشور ما نیز از ابتدای انقلاب اسلامی، تلویزیون تلاش کرده است در جهت گسترش فرهنگ دینی در ایران حرکت کند به ویژه با افزایش شبکه‌های مختلف تلویزیونی در دهه ۱۳۷۰ این فضا در سیمای جمهوری اسلامی ایران تشدید شد؛ به گونه‌ای که علاوه بر شبکه‌های مختلف که به مضامین و مفاهیم دینی می‌پرداختند، شبکه خاصی به نام قرآن و معارف نیز برای همین منظور تاسیس شد. تشکیل گروه‌های معارف سیما و ساخت پیوسته برنامه‌هایی متمرکز بر مفاهیم

دینی و قرآنی در این گروه‌ها، از رویکردهای سیما در پرداختن به موضوع دین بوده است. علاوه بر این، گروه‌های فیلم و سریال شبکه‌های مختلف سیما نیز با ساخت سریال‌های مناسبی (برای مناسبت‌های عزا یا ماه مبارک رمضان) و نیز تولید سریال‌های تاریخی - مذهبی و فیلم‌های بلند ویدئویی در این زمینه نقش پررنگ‌تری را ایفا کردند چرا که اغلب سریال‌های تاریخی - مذهبی با هزینه‌های کلان و با تلاش‌های طولانی انجام شده و معمولاً بر موضوع‌های مورد علاقه در میان مخاطبان ایرانی همچون زندگی پیامبران یا ائمه معصومین علیهم‌السلام متمرکز بود.

اما با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و علی‌رغم همه تجربه‌های اندوخته شده در زمینه تعامل تلویزیون و دین، به نظر می‌رسد که هنوز برای رسیدن به نقطه مطلوب در این زمینه راهی طولانی مانده است. در وضع کنونی، همچنان در بسیاری از موارد بر اساس چارچوبی روشن عمل نشده و برعکس بر اساس آزمون و خطاها عمل می‌شود. یکی از بارزترین این موارد تلاش کارگردان سریال «مختارنامه» برای نمایش چهره «حضرت عباس» علیه‌السلام بود که به دلیل برخی مخالفت‌ها، میسر نشد. همچنان تلویزیون در مناسبت‌های مختلف عزا و شادی، برنامه‌هایی در خور این مناسبت‌ها پخش نمی‌کند که مخاطبان را پای تلویزیون بنشانند. به علاوه به نظر می‌رسد رویکردی که تلویزیون در تبلیغ دینی دارد، رویکردی اثربخش نیست چرا که اغلب برنامه‌های تبلیغی مانند مختارانی‌های مذهبی، پرداخت تلویزیونی ندارند، صرفاً ضبط ساده تصاویر مراسم مذهبی با کمترین دخل و تصرف و پخش از شبکه‌های سیما است. این روند سال‌هاست که در شبکه‌های مختلف سیما جاری است؛ گویی هیچ‌گونه مخاطب‌شناسی در این زمینه صورت نگرفته و گویی اقتضائات برنامه‌سازی دینی اوایل دهه ۱۳۸۰ با اوایل دهه ۱۳۹۰ تفاوتی با یکدیگر ندارند. در فضای کنونی رسانه‌ای که فضایی بدون مرز و باز است و مخاطبان ایرانی به انواع شبکه‌های ماهواره‌ای (دینی و غیردینی) و نیز

دریای بیکران اینترنت دسترسی دارند، بی‌تردید نوع موضوع‌های مورد توجه و چگونگی ساخت و پرداخت آن، باید متحول شود؛ چه بسا ضرورت دارد در قالبی غیر از برنامه‌های دینی و نیز در ژانرها و فرمت‌های نو، با مخاطب ارتباط برقرار شده تا گرایش‌های دینی او تقویت شود.

آیا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تلویزیون از خود پرسیده‌اند که برنامه‌های تلویزیون باعث افزایش گرایش به مسجد می‌شوند یا برعکس عمل می‌کنند؟ آیا رسانه تلویزیون، سمت خود را با مسجد مشخص کرده است؟ به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد همچون پخش دعای ندبه یا دعای کمیل و نیز جشن‌ها و مراسم عزاداری، تلویزیون ناخواسته جای مسجد و حسینیه را گرفت و به تدریج موجب کاهش گرایش به مسجد یا حسینیه شد. چرا که گاهی اوقات برای مخاطب، سخنران تلویزیون، فردی مقبول‌تر از سخنران مسجد محله بود و مخاطب را از مسجد رفتن بازداشت و به نوعی تلویزیون در اجرای مناسک مداخله کرد.

همه این موارد، نمونه‌هایی از مسائل مربوط به نسبت دین و تلویزیون در کشور ماست، ضمن این‌که باید توجه داشت رویکرد تلویزیون در برهه‌های گوناگون یکسان نبوده و در دوره‌های مختلف مدیریتی متفاوت بوده و در حال حاضر در جذب مخاطب، به طور کلی دچار چالش‌هایی جدی است. همچون فضای رقابتی که ماهواره در مقابل تلویزیون گشوده است یا گاهی اوقات گرایشی که مردم به برخی سریال‌ها یا فیلم‌های توزیع شده در شبکه خانگی یا حتی شبکه غیررسمی توزیع فیلم پیدا می‌کنند. در چنین فضایی تلویزیون در پرداختن به موضوع‌های دینی با چالش‌های مضاعفی روبروست.

اما موضوع تعامل دین و رسانه، به جهت ماهیت فناورانه رسانه، به شدت با موضوع فناوری نیز گره خورده و بحث‌های شدیدی را در میان محققان و نظریه‌پردازان برانگیخته است چرا که بسیاری از صاحب‌نظران، به نوعی جبر

تکنولوژیک متعقدند و بر این باورند که فناوری تلویزیون در ذات خودش، با دین تناسبی ندارد و به جهت این‌که از جوامع سکولار غربی برخاسته و با جهان‌بینی غرب متناسب است. البته در مقابل، بسیاری از محققان نیز رویکرد متفاوتی دارند و تلویزیون را ابزاری می‌دانند که می‌توان از آن برای توسعه فرهنگ‌های متنوع در جوامع گوناگون بهره گرفت.

این موضوع در کشور ما با دیگر مباحث مربوط به مدرنیسم (نوگرایی) آمیخته شده و محل بحث جدی بوده و همچنان محل بحث است.

به طور کلی فناوری در دو قرن گذشته چهره جهان را بسیار تغییر داده و آثار شگفت‌انگیز آن ابعاد و جوانب گوناگون حیات بشر را تحت تاثیر خود قرار داده است. «تحولات سریع، نه تنها در عرصه فناوری‌ها، دستگاه‌ها و ابزارهایی که انسان برای خدمت به خود ابداع کرده، مشهود است - برای مثال از انتقال سریع پیام‌ها و اطلاعات تا جابه‌جایی پرشتاب افراد و کالاها - که در قلمرو دانش‌ها و معرفت‌ها نیز نظیر همین سیر پرشتاب به چشم می‌خورد، در سطح نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و فرضیه‌هایی که مستمراً در حوزه‌های گوناگون پیشنهاد می‌شوند و در کوتاه زمان جای خود را به نظریه‌هایی جدیدتر می‌بخشند، آشنگاری درنگ تغییر را حتی در روش‌ها، شیوه‌ها و شگردهای ارائه و عرضه در عرصه‌های مختلف، می‌توان مشاهده کرد - مثلاً در شیوه طراحی کتاب‌ها یا صفحات روزنامه‌ها و تنظیم مطالب در آنها (مقالات کوتاه در کادرهای مشخص) یا در روش نمایش فیلم‌ها (پرش‌ها و کات‌های مکرر و تصاویری که تنها چند ثانیه یا کمتر بر صفحه باقی می‌ماند) و حتی در نحوه سخن گفتن و مکالمه افراد. دگرگونی‌های همه‌جانبه که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، در تمام عرصه‌های زندگی انسان مدرن، آثار مثبت و منفی فراوانی به همراه خواهد داشت. تغییرات سریع بدین معنی است که هنجارها، باورها، رویه‌ها، و احکامی که در گذشته اعتبار داشته‌اند و در تنظیم روابط اجتماعی و چگونگی

تعامل میان انسان‌ها نقش ایفا می‌کرده‌اند، با چالش‌های بسیار جدی مواجه می‌شوند.

در مواجهه با سیر شتابنده تحولات، می‌توان رویه «باری به هر جهت» و «رضا به قضا» را در پیش گرفت و منفعلانه در انتظار ماند تا سیلاب پرشتاب رویدادهای سریع التحول، ما را به گوشه‌ای پرتاب کند و سرنوشت تازه‌ای را رقم بزند. این رویکرد، درخور افراد و جوامع بلوغ یافته و رشد کرده نیست. اینان به عکس نه تنها می‌کشند تا آنجا که ممکن است با آماده ساختن خود برای مقابله با تحولات، از غافلگیر شدن و در گرداب حوادث ناخواسته افتادن پرهیز کنند، که همه همت خود را به کار می‌بندند تا با بر ساختن سناریوهایی از آینده‌های محتمل الوقوع و ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر کدام، مسیر تحولات شتابناک را در حد امکان به گونه‌ای سامان دهند که زمینه برای ظهور برخی از آینده‌های صحت‌محتمل فراهم شود و در عوض از تحقق برخی دیگر از این آینده‌ها که مطلوب نیستند، جلوگیری به عمل آید. (پایا، ۱۳۸۷: ۱۵ - ۱۴)

اما باید در خصوص فناوری و تأثیرات آن بر جوامع به نکته مهم دیگری توجه کرد؛ «با این که واضح است فناوری، نیروی محرکه‌ای بوده که همه جوامع را در چند قرن اخیر دگرگون ساخته است، اما باید به این نکته توجه کرد که در این خصوص هیچ‌گونه جبرگرایی در کار نیست. از سوء تعبیه‌هایی که از فناوری می‌شود، یکی آن است که فناوری قدری جلوتر از جامعه حرکت می‌کند و مردم را پشت سر می‌گذارد. در نتیجه گفته می‌شود که ما به شوک آینده - تعبیری که «آلین تافلر» آینده‌پرداز ساخته است - دچار گشته‌ایم. گویی سرعت پیشرفت‌های تکنولوژیک، ما را میبهوت کرده است، اندیشه‌ای که در ادبیات جامعه‌شناسی نیز البته با اصطلاحاتی اندک، متفاوت یافته می‌شود.

«ویلیام اف. آگبرن» جامعه‌شناس، عبارت «تاخر فرهنگی» را با این استدلال بر ساخت که فناوری به نیروی غالب در تغییر اجتماعی بدل شده و نهادهای اجتماعی و فرهنگی نتوانسته‌اند خود را با آن سازگار کنند که در نتیجه منجر به تاخر فرهنگی شده است. متأسفانه از آن هنگام، استفاده‌های نابخردانه‌ای از این ایده صورت گرفته است. آگبرن به موجبیت تکنولوژیک اعتقاد داشت. خود او محصول روزگاری بود که گمان می‌رفت فناوری به خودی خود سودمند و نمایانگر پیشرفت باشد. (پل، ۱۳۸۱: ۹۶) منظور این است که علی‌رغم تغییر و تحولات شتابان فناوری، می‌توان با سیاست‌گذاری به هنگام و پیشرو، این تحولات را از جهت تأثیرات اجتماعی - فرهنگی بر جامعه به سویی مطلوب سوق داد. کما این که در گذشته نیز در دوره‌های مختلف، همواره نگرانی‌هایی جدی از نوآوری‌های تکنولوژیکی، به ویژه در عرصه رسانه برور کرده و در مواردی که در تعامل با این پدیده‌های نو، منفعلانه عمل نشده است، فناوری نه تنها تهدید نبوده، بلکه به فرصت نیز تبدیل شده است. برای مثال توسعه صنعت چاپ نه تنها باعث مقابله با دین نشد، بلکه به دلیل فراهم شدن امکان تولید انبوه کتاب‌های دینی، فرصت‌های زیادی را برای تبلیغ گسترده‌تر دین فراهم کرد.

اکنون در مقطع زمانی دیگری به سر می‌بریم که یکی از تفاوت‌های جدی و مهم آن با گذشته، سرعت خارق‌العاده تحولات جهان از جمله تحولات فناورانه است که در حوزه رسانه نیز شاهد همین وضعیت هستیم؛ به این معنا که عمده تحولات رسانه‌ای در زمینه‌های سخت افزاری در حال وقوع است و تحولات نرم‌افزاری و فرهنگی نیز به شدت در تعامل و بسیاری اوقات حتی تحت تأثیر تحولات سخت‌افزاری است. برای مثال همان‌طور که اشاره شد افزایش سرعت ریتم در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی یا در فیلم‌های سینمایی متأثر از تحولات سخت‌افزاری است. با توجه به این وضعیت پیش رو، بدون تردید رسانه‌ها باید به

طور دائم خود را تطبیق داده و در مقابل تحولات، متغیر عمل نکنند. در این میان، جایگاه رسانه‌ای مانند تلویزیون که تأثیرگذارترین رسانه در کشور و شاید به جرات بتوان گفت پس از خانواده، فرهنگ‌سازترین نهاد کشور محسوب می‌شود، اهمیت زیادی می‌یابد، مخصوصاً اگر عهده‌دار وظیفه خطیری مانند تعمیق فرهنگ دینی جامعه باشد. به نظر می‌رسد تلویزیون در صورت عدم سیاست‌گذاری اطمینان‌بخش در خصوص نحوه پرداختن به موضوع دین، ممکن است در آینده با چالش‌هایی جدی مواجه شود یعنی خدای ناکرده به دلیل عدم سازگاری آن با تحولات، موجب زمین‌زدایی یا دین‌گریزی در جامعه شود یا حداقل نتواند موجب تقویت معرفت دینی جامعه گردد. از این رو، لازم است با نگاهی فوق‌فعال به این موضوع پرداخت. مراد از این عبارات این نیست که فناوری قابلیت فائق آمدن بر دین را دارد بلکه منظور این است که در روند شتابان رسانه‌ای، خطر این است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی نامناسب با دین و زبان آن برای تطبیق با فناوری در پیش گرفته شود که پیامدهایی ناخوشایند داشته باشد. به طور خیلی خلاصه باید گفت اگر تکلیف ما با زبان دین و زبان رسانه روشن باشد، سیاست‌گذاری در این زمینه نیز مسیر روشنی دارد. بر این اساس باید در این زمینه نوعی نگاه آینده‌نگارانه داشت و برای شرایط متلاطم و نامطمئن آینده، راهبردهایی به‌هنگام و اثربخش را در پیش گرفت که البته همچون همه مطالعاتی که رویکرد آینده‌نگارانه دارند باید با نگاه به روندها و تحولات گذشته از تجارب حاصل از آن بهره‌برد. از این رو اتکاء صرف به تجارب و روندها گاه ممکن است در نشان دادن تهدیدها و فرصت‌های پیش رو ناکارآمد باشد. به ویژه در فضای متلاطم رسانه که - همان‌طور که اشاره شد - تحولات آن بسیار شدید است.

در پایان این گفتار برخی از آثار و مطالعاتی که به نحوی بر تعامل دین و رسانه متمرکز بوده‌اند، برای مطالعه بیشتر معرفی می‌شوند. دکتر «ناصر باهنر» در این زمینه از برجستگان است و دو اثر محققانه را به نگارش در آورده است:

۱. رسانه‌ها و دین: از رسانه‌های سنتی تا تلویزیون، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

۲. تعامل دین و ارتباطات، از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

مجموعه‌ای از مقالات منتشر شده از سوی دانشگاه امام صادق (ع) نیز توسط دکتر «حسن بشیر» گردآوری شده است. کتاب «دین در عصر رسانه» نوشته استوارت هوور ترجمه و منتشر شده توسط مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها و دفتر عقل، در سال ۱۳۸۸ از شاخص‌ترین آثاری است که در این زمینه منتشر شده است اما همان‌گونه که پروفیسور «حمید مولانا» در پیش‌گفتار ترجمه این کتاب ذکر کرده است: «این اثر به بررسی نقش رسانه‌ها در دین از نگاه غرب و به ویژه فرهنگ، تاریخ و سنت آمریکا می‌پردازد و رویکرد تطبیقی یا چندفرهنگی خارج از حوزه آمریکا و اروپا به ویژه جوامع اسلامی در آن دیده نمی‌شود.»

مجموعه مقالات «هم‌اندیشی سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم»، منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما از آثاری است که به نوعی، از جهت پرداختن به دغدغه‌های مربوط به عرفی‌تر شدن رسانه‌ها در جهان معاصر حائز اهمیت است. البته برخی از مقالات آن، حاوی تاملاتی در خصوص رویکردهای تلویزیون کشورمان به موضوع دین هستند که ارتباط نزدیکی با مجموعه حاضر پیدا می‌کنند. به علاوه برخی آثار نیز تلاش کرده‌اند بین برخی مفاهیم دینی و رسانه، ارتباطی نو برقرار کنند مانند کتاب «خبر و خبررسانی در قرآن کریم» نوشته «علیرضا پویا» که دانشکده صدا و سیما در سال ۱۳۸۴ منتشر کرده است.

پژوهش چالش‌های فرهنگی - اجتماعی فناوری‌های جدید ارتباطی، اطلاعاتی، دیگر پژوهشی است که توسط «شعبانعلی بهرامپور» در سال ۱۳۸۵ برای شورای عالی انقلاب فرهنگی اجرا شده که از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول به موضوع پیامدهای فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی پرداخته شده و در قالب جامعه‌شناختی، انسجام اجتماعی توضیح داده شده است. در این بخش ابتدا فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در پوشش جامعه اطلاعاتی مطرح و سپس به پیامدها و چالش‌های اجتماعی - فرهنگی آنها ذیل معیارهایی چون برابری یا نابرابری اجتماعی، حریت‌های پایدار و ناپایدار، وحدت و تمایزپذیری اجتماعی پرداخته شده است. قسمت آخر این بخش پیامدهای این فناوری‌ها را در ارتباط با ایران مطرح کرده است. بخش دوم به مجموعه مقالات اختصاص داده شده و در این بخش مقالاتی از استادان و صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و رسانه‌ها آمده که در هر یک، به یک موضوع مرتبط با چالش‌های ناشی از تحولات در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته شده است.

با وجود همه این آثار و دیگر مطالعات انجام شده همچنان پرسش‌هایی جدی که نیازمند بررسی هستند، پیش روی محققان مطالعات رسانه‌ای و دینی کشور قرار دارند. برخی از این پرسش‌ها عبارتند از:

- چشم‌انداز تحولات آینده رسانه چگونه خواهد بود؟
- تحولات آینده رسانه چه چالش‌هایی را در برابر فرهنگ دینی قرار خواهد داد؟
- تحولات آینده رسانه چه فرصت‌هایی را برای توسعه فرهنگ و معارف اسلامی فراهم خواهد کرد؟

- تلویزیون کشورمان در روند تحولات شتابان رسانه‌ای، باید چه خط مشی‌ها و الزامات محتوایی را به منظور تعمیق فرهنگ و معارف اسلامی در جامعہ اجرا کند؟

در این مجال اشاره می‌شود که مجموعه پیش رو، حاصل نشست‌هایی در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات است که گروه سینما و تلویزیون پژوهشکده هنر و رسانه در سال ۱۳۸۹ برگزار کرده است تا موضوع بازنمایی دین به ویژه در آثار دینی - تاریخی را بررسی کند. به علاوه تبیین مسائل و چالش‌های پیش‌روی تلویزیون در زمینه بازنمایی دین و تعمیق بصیرت دینی در جامعه، از دیگر اهداف این نشست‌ها بوده که در آنها پیشنهادهایی نیز به منظور تولید بهتر برنامه‌های دینی، به ویژه سریال‌های تاریخی - مذهبی ارائه شده است. از همه همکاران پژوهشکده هنر و رسانه، به ویژه آقایان دکتر خبری و صلواتیان و خانم‌ها قهرمانی، شفیعی‌خانی و صمدی و نیز مجموعه معاونت پژوهشی پژوهشگاه که در به ثمر رسیدن مجموعه حاضر نقش داشته‌اند از جمله آقای مصطفی اسدزاده و خانم انسیه محمودی سپاسگزاری می‌شود.

عبدالله بیجرانلو

مدیر گروه سینما و تلویزیون

منابع و مأخذ پیش گفتار

- باهنر، ناصر، (۱۳۸۸)، «سکولاریسم و روش‌شناسی غالب در تحقیقات رسانه‌های جمعی»، در مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- بل، دانیل، (۱۳۸۲)، «آینده تکنولوژی»، ترجمه احد علیقلیان، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- پایا، علی، (۱۳۸۷)، «فناوری، فرهنگ و اخلاق»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- میرعابدینی، احمد، (۱۳۸۷)، «پژوهشنامه رسانه‌های دیداری و شنیداری»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هوور، استوارت، «دین در عصر رسانه»، ترجمه علی عامری مهابادی،فتاح محمدی و اسماعیل اسفندیاری، دفتر عقل.

مقدمه

هر سال با شروع ماه مبارک رمضان بحث‌هایی جدی و دامنه‌دار دربارهٔ سریال‌های مذهبی تلویزیون مطرح می‌شود؛ از جمله مسائل اصلی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که چند درصد از این سریال‌ها را می‌توانیم مذهبی بنامیم و نسبت آنها با دین چیست؟ چرا که بعضی از آنها تقلیدهایی از بعضی فیلم‌های مسیحی ساخته شده در هالیوود هستند مثل سریال «ملکوت» که از شبکهٔ دو پخش شد و تقلیدی است از دو فیلم سینمایی «دیدار با جو بلک» و «چه رویاهایی که می‌آیند». در این نشست سه تن از صاحب‌نظران به بررسی ابعاد مختلف برنامه‌سازی داستانی در حوزه مذهب و تاریخ دین پرداخته‌اند.

دکتر اسماعیل بنی‌اردلان، استاد دانشگاه هنر، معاون پژوهشی سابق این دانشگاه که دارای آثار متعددی در حوزه حکمت هنر اسلامی و پژوهش هنر هستند. ایشان

ساختار سریال‌های تاریخی - مذهبی و نقد محتوایی این سریال‌ها را بررسی کرده است.

دکتر مجید حسینی‌زاد، دکترای علوم اجتماعی با گرایش سینما، که حدود سه دهه در سازمان صدا و سیما تجربه فعالیت و مدیریت دارد.

دکتر علاءالدین رحیمی، مدیر گروه مطالعات هنر پژوهشکده هنر و رسانه که فیلم‌های متعدد داستانی و سریال در حوزه تاریخ اسلام ساخته است؛ فیلم‌های داستانی و سریال‌هایی همچون: «آوارگان عشق»، «روایت عشق»، «معصوم هفتم»، «دهمین مظلوم»، «مکافات»، «کوچ عاشقان»، «عطر سیب» و برخی آثار دیگر. دکتر رحیمی تاریخچه آثار داستانی - مذهبی را قبل و بعد از برنامه‌سازی تلویزیونی در ایران بیان کرده و درباره چگونگی ساخت این آثار از نظر متن، بازی‌گری، طراحی صحنه و کارگردانی بحث کرده است.